

«اتحادملت» نشست همسایگان افغانستان در تهران را بررسی می کند

در جست‌وجوی فرمولی مشترک



کشورهای منطقه‌ای و همسایه همراه با قدرت‌های غربی همچنان در مورد شیوه مدیریت حکومت کنونی افغانستان و نحوه ارتباط با دولت کابل اختلافات عمده‌ای دارند

اتحادملت-گروه‌بین‌الملل-عاطفه‌عبداللهی‌نژاد؛ نشست برگزارشده در تهران، به ابتکار جمهوری اسلامی ایران و با هدف تقویت گفت‌وگوی سازنده در منطقه، نخستین گردهمایی نمایندگان ویژه کشورهای همسایه افغانستان در این سطح محسوب می‌شود. در این نشست، نمایندگانی از پاکستان، روسیه، چین، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان حضور داشتند. این رویداد که به میزبانی وزارت امور خارجه ایران ترتیب یافته بود، در تاریخ ۲۳ آذر برگزار شد و نقطه عطفی در تعاملات منطقه‌ای حول محور افغانستان به شمار می‌رود.

جریان مشورت‌ها و تعاملات منطقه‌ای میان کشورهای همسایه افغانستان که پیش‌تر در سطح وزرای امور خارجه آغاز شده بود، طی دو سال گذشته متوقف مانده بود. اما این نشست تلاش تازه‌ای برای احیای چنین روندهایی به شمار می‌آید. از میزان مشارکت مقام‌های دولتی کشورهای مختلف حاضر در این اجلاس نیز می‌توان به اهمیت آن پی برد؛ برای مثال، روسیه و ازبکستان نمایندگان رئیس‌جمهوری خود را اعزام کردند، پاکستان نماینده نخست‌وزیر خود را اعزام نمود و سایر کشورها نیز در سطح مقامات ارشد وزارت امور خارجه شرکت داشتند.

این نشست با سخنان ابتدایی سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، آغاز شد. محور اصلی گفت‌وگوهای اعضا بررسی تحولات اخیر در افغانستان بود؛ به‌ویژه در شرایطی که تنش میان این کشور و پاکستان به اوج خود رسیده است و به گفته شهزاد شریف، رئیس‌جمهوری پاکستان، آتش‌پسی شکنده میان دو کشور برقرار است. اگرچه این موضوع از مهم‌ترین مباحث نشست به شمار می‌رود، اما سایر مسائل مرتبط با افغانستان نیز مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفت.

در دو دهه گذشته، افغانستان همواره یک موضوع محوری برای کشورهای منطقه و حتی برخی دولت‌های غربی بوده است. مذاکرات درباره مسائل امنیتی، تروریسم، مهاجرت، مواد مخدر و اقتصاد از جمله مسائل کلیدی بوده‌اند که از سال ۲۰۰۱ میلادی با آغاز فرایند بن در آلمان در سطح بین‌المللی مطرح شدند. هرچند این فرایند به ابتکار کشورهای غربی شکل گرفت، اما به مرور زمان ضرورت ایفای نقش فعال‌تر همسایگان افغانستان برای مدیریت تنش‌های موجود مطرح شد. کشورهای منطقه نیز به ترتیب تلاش‌هایی در قالب نشست‌های سه و چهارجانبه، با همکاری در نهادهایی مانند سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و سازمان همکاری شانگهای انجام دادند. نشست سه‌جانبه افغانستان-پاکستان-ایران، نشست‌های چهارجانبه تحت ابتکار آمریکا با حضور افغانستان، پاکستان و چین، روند

استانبول با همکاری همسایگان افغانستان و برخی کشورهای دیگر، فرمت مسکو که شامل روسیه، کشورهای آسیای مرکزی، ایران و چین بود و بعدها حضور نمایندگان طالبان را نیز شاهد بودیم؛ همچنین نشست‌هایی که ایران یا چین پیشنهاد دادند یا آنهایی که در چارچوب سازمان‌هایی نظیر شانگهای برگزار شدند از جمله نمونه‌های تلاش برای یافتن راه‌حلی‌هایی پایدار بودند. نشست امروز تهران را نیز می‌توان ادامه این روند دانست. هدف اصلی این گردهمایی ایجاد هماهنگی بیشتر میان کشورهای همسایه افغانستان و توسعه گفت‌وگوهای منطقه‌ای است تا بتوان طرح‌های کاربردی و سازنده‌ای برای کاهش تنش‌ها در این کشور بحران‌زده ارائه داد و اجرایی کرد.

در تحلیل نشست‌ها و گردهمایی‌های مختلف، سوال اصلی این است که چرا تا این حد درباره افغانستان مشورت و بررسی راهکار انجام می‌شود؟ برای کشورهای آسیای مرکزی، ناامنی مداوم در افغانستان به‌عنوان یکی از خطوط قرمز تلقی می‌شود؛ آن‌ها نگران سرایت این ناامنی به کشورهای خود بوده و درصدد پیشگیری از آن هستند. برای ایران، تروریسم و افراط‌گرایی در شرق مرزهایش، همراه با مسائل مواد مخدر و مهاجران افغان، از اولویت‌های اصلی محسوب می‌شوند. کشور چین نیز به دلیل اهمیت اقتصادی و ضرورت تقویت مسیرهای تجاری و ترانزیتی به وضعیت افغانستان توجه دارد. روسیه به امنیت منطقه جنوب آسیا از منظر تسهیل دسترسی به آب‌های آزاد نگاه می‌کند. از سوی دیگر، برای کشورهای غربی، موضوعاتی نظیر حقوق بشر، وضعیت زنان تحت حکومت طالبان و منابع معدنی غنی افغانستان در اولویت است، و آن‌ها را ترجیح به یافتن راه‌حلی‌هایی برای کاهش آشفتگی در این کشور کرده است.

بازگشت طالبان به قدرت در شرایطی رخ داد که مشکلات اقتصادی، گسترش تروریسم، قاچاق مواد مخدر و وضعیت ناپایدار اجتماعی، زندگی مردم افغانستان، به‌ویژه زنان، را دچار چالش‌های جدی کرده بود. این مسائل علاوه بر تأثیر مستقیم بر مردم افغانستان، آثار منطقه‌ای و حتی جهانی داشته است. اگرچه برخی گزارش‌ها نشان از نوعی ثبات نسبی در وضعیت معیشتی مردم طی ماه‌های اخیر دارند، اما تحریم‌های متوالی و جنگ‌های مختلف چنان اثری مخرب بر اقتصاد گذاشته‌اند که حتی در بلندمدت نیز صحبت از ثبات واقعی دشوار است. پس از تسلط طالبان بر اداره کشور، کمک‌های بین‌المللی و بشردوستانه تا حد زیادی متوقف شد و دارایی‌های افغانستان نیز بلوکه شدند.

رکود اقتصادی شدید، ورشکستگی بانک‌ها و

شرایط فقربح اشتغال منجر به شکل‌گیری بحرانی با ابعاد گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی شده‌اند. این وضعیت سیل مهاجران را روانه کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، کرده است. همچنین فعالیت مکرر گروه‌های تروریستی مانند داعش به یکی از نگرانی‌های جدی منطقه‌ای و جهانی بدل شده است. ایران نیز هزینه‌های هنگفتی را صرف مقابله با قاچاق مواد مخدر می‌کند که این مسئله را به یکی دیگر از چالش‌های عمده‌اش در شرق کشور اضافه کرده است.

کشورهای منطقه‌ای و همسایه همراه با قدرت‌های غربی همچنان در مورد شیوه مدیریت حکومت کنونی افغانستان و نحوه ارتباط با دولت کابل اختلافات عمده‌ای دارند. این اختلافات، همراه با غلبه نگاه امنیتی، دستیابی به یک راه‌حل جامع برای مشکلات افغانستان را دشوار کرده است. درگیری‌های پراکنده با پاکستان طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر نیز این پیچیدگی را بیشتر کرده و افغانستان را به موضوعی ژئوپلیتیک تبدیل کرده است که برای حل آن ابتدا باید تنش‌ها میان کابل و اسلام‌آباد فروکش کند. دو دور گفت‌وگو میان نمایندگان پاکستان و افغانستان با میانجیگری کشورهای چون قطر، ترکیه و عربستان که اخیراً شگست خورده‌است، نشانه‌ای از پیچیدگی روابط میان دو کشور است.

ایران از آغاز این تنش‌ها تلاش داشته تا مانع گسترش آن شود. طی هفته‌های اخیر مقامات ایرانی با نمایندگان دو طرف گفت‌وگوهای متعددی داشته‌اند و در تمام مذاکرات خود ضمن هشدار نسبت به عواقب ناامنی، طرفین را به مذاکره و دستیابی به راهکاری منطقه‌ای دعوت کرده‌اند.

هرچند نشست تهران با حضور کشورهای همسایه و منطقه‌ای افغانستان، به‌عنوان نشست‌ی میانجی‌گرانه در نظر گرفته نمی‌شود و ایران نیز با وجود تمامی تلاش‌های خود برای کاهش تنش‌ها، نقش رسمی میانجی‌گر را برعهده ندارد، اما این گردهمایی فرصتی مهم برای گفت‌وگوهای چندجانبه به منظور کاهش احتمال تشدید درگیری میان دو کشور تلقی می‌شود. حضور همزمان نمایندگان ویژه چین و روسیه در امور افغانستان نیز از ابعاد دیگری به نشست تهران اهمیت می‌بخشد، چرا که چین مشورت‌های منظمی با نمایندگان پاکستان پیرامون تحولات امنیتی منطقه، به‌ویژه تهدیدات گروه‌های تروریستی مستقر در افغانستان، داشته است. این هماهنگی‌ها می‌توانند نگاه پاکستان را روشن‌تر کرده و مسیر دستیابی به یک راه‌حل صلح‌آمیز را هموارتر کنند.

براساس اعلام حافظ ضیاء احمد تکل، رئیس اطلاع‌ا و روابط عمومی وزارت خارجه طالبان، هیچ نماینده‌ای از افغانستان در نشست تهران

اخبار

گروسی:

مذاکرات با هدف حل‌فصل برنامه هسته‌ای ایران در جریان است



مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که مذاکرات با هدف حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران همچنان ادامه دارد.

به گزارش ایلنا به نقل از راشاتودی، «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مصاحبه‌ای با یک روزنامه آمریکایی گفت که مذاکرات جهت حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران گماکان در جریان است. گروسی مدعی شد که ایران در حال حاضر حدود ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد دارد، سطحی که او آن را نزدیک به غنی‌سازی در سطح تسلیحاتی توصیف کرد.

این درحالی‌است که اظهارات مشابه از سوی مدیرکل آژانس در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، زمینه ساز اقدام جنایتکارانه رژیم صهیونیستی و ایالات متحده علیه ایران شد.

در گیری دریایی چین و فیلیپین در دریای جنوبی چین



گارد ساحلی چین در جریان ممانعت از ورود قایق‌های فیلیپینی به منطقه مورد مناقشه، با آنها درگیر شد.

به گزارش مهر به نقل از الجزیره، فیلیپین اعلام کرد که کشتی‌های گارد ساحلی چین با شلیک آب‌پاش‌های فشار قوی به صیادان فیلیپینی در نزدیکی صخره مورد مناقشه «سایپان» در دریای جنوبی چین، باعث زخمی شدن سه نفر و وارد شدن خسارت جدی به دو قایق صیادی شده‌اند. این صخره در محدوده ۲۰۰ کیلومتری منطقه انحصاری اقتصادی فیلیپین قرار دارد.

به گفته جی تریلا سخنگوی گارد ساحلی فیلیپین، در جریان این درگیری، کشتی‌های چینی مانع عبور کشتی‌های فیلیپینی شده و تلاش کردند رسیدن نیروهای امدادی به صیادان زخمی را متوقف کنند. با این حال، نیروهای فیلیپینی موفق شدند به صیادان برسند و اقدامات پزشکی اولیه را انجام دهند. در مقابل، لیودجون سخنگوی گارد ساحلی چین، اقدام گارد ساحلی فیلیپین را برای «حفظ حاکمیت سرزمینی» بر صخره سایپنا ضروری دانست و گفت که کشتی‌های فیلیپینی، تحت پوشش صیاد به طور عمدی وارد این منطقه شده‌اند. این حادثه جدیدترین مورد از سلسله درگیری‌های چین و فیلیپین در دریای جنوبی چین است. پیش‌تر در اکتبر و نوامبر، حوادث مشابهی از جمله شلیک آب‌پاش، برخورد عمدی کشتی‌ها و اختار به هواپیماهای فیلیپینی در مناطق مورد مناقشه گزارش شده بود.

حملات پهبادی و تیراندازی نظامیان صهیونیست به اراضی لبنان



نظامیان رژیم صهیونیستی از ساعتی پیش مناطقی از لبنان را هدف حملات پهبادی و تیراندازی‌های خود قرار داده اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، خبرنگار المیادین در جنوب لبنان گزارش داد که یک پهباد صهیونیستی بمب‌هایی را در منطقه حفارین واقع در بخش لبنانی مزارع شبعاء شلیک کرده است.

بر اساس این گزارش نظامیان صهیونیستی مستقر در پایگاه اشغالی الرمثا در جنوب لبنان، مزارع بسطره را با رگبار مسلسل هدف قرار دادند.

اعتراضات سراسری در ونزوئلا علیه اقدامات آمریکا در منطقه کارائیب



مردم ونزوئلا به خیابان‌ها آمده و علیه اقدامات آمریکا در منطقه کارائیب دست به تظاهرات زدند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری اسپوتنیک، هزاران ونزوئلایی در مناطق مختلف این کشور با برگزاری تجمعات اعتراضی، اقدامات آمریکا در منطقه کارائیب را محکوم کردند.

بر اساس این گزارش، معترضان با حضور در خیابان‌ها، سیاست‌ها و اقدامات آمریکا را که به گفته آنان تهدیدی علیه حاکمیت ملی ونزوئلا و دربرگیرنده استقرار نیروی نظامی در منطقه است، به شدت محکوم کردند.

لنگر دkترین مونرو بر راهبرد ترامپ

مانور ناوهای آمریکا برپهنه تاریخ

جمهوری این کشور نامید- و ناوهای هواپیمابر ایالات متحده، مثلث دیگری را ترسیم کرده است. این روزها و هفته‌ها، ناوهای هواپیمابر آمریکایی همچون یو اس اس جرالد آر. فورد در همین مسیرهای تاریخی حرکت می‌کنند؛ مسیرهایی که زمانی دزدان دریایی در آن کمین می‌کردند و برخلاف مثلث برمودا، حضور دزدان دریایی در کارائیب، واقعیتی تاریخی و مستند است و قرن‌های متمادی (هفدهم و هجدهم میلادی)، این منطقه مرکز رقابت امپراتوری‌ها و محل استقرار گروه‌هایی بود که به کشتی‌های تجاری حمله می‌کردند. کارائیب از همان زمان به پهنه‌ای امنیتی بدل شد؛ تفاوت دیروز و امروز تنها در این است که جای پرچم‌ها و ابزارها تغییر کرده است.

در چنین بستری، ونزوئلا در نگاه واشنگتن فقط یک کشور بحران‌زده از تحریم‌های واشنگتن نیست؛ بلکه بخشی از معادله امنیتی نیم‌کره غربی است. این نگاه، ریشه در دkترین مونرو دارد؛ سیاستی که در سال ۱۸۲۳ میلادی اعلام شد و هرگونه نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قاره آمریکا را تهدیدی برای ایالات متحده ارزیابی کرد. این دkترین، یک سند تاریخی است، اما تأثیر آن تا امروز ادامه یافته و مفهوم «حیط خلوت» آمریکا را شکل داده است. تحولات اخیر آمریکا در دریای کارائیب و یک قدمی مرزهای ونزوئلا نشان می‌دهد که دkترین مونرو، در قالبی جدید و این بار با زبان منفعطلبانه ترامپ بازتعریف شده

بمن‌الملل

شرکت نکرده و طالبان ترجیح داده است تعاملات منطقه‌ای خود را از طریق سازمان‌ها، چارچوب‌ها و مکانیسم‌های دوجانبه ادامه دهد. در مقابل، پاهر حسین اندرابی، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان، از نقش میانجی‌گرانه ایران استقبال کرده و تهران را در جایگاه مناسبی برای بذیرفتن این نقش دانسته است.

هرچند تنش میان افغانستان و پاکستان ریشه‌های عمیق تاریخی و حتی ایدئولوژیک دارد، محوره‌ای اصلی این اختلافات شامل حل‌نشده بودن مسائل مرزی، به‌ویژه خط دیورند، بی‌اعتمادی بین طالبان و مقامات پاکستانی، نفوذ نیروهای خارجی و گروه‌های غیردولتی، و رقابت‌های اقتصادی بازیگران فرامنطقه‌ای است. این عوامل مانع از دست‌یابی به صلح پایدار در منطقه شده و تنش‌ها را به دوره‌های مختلف تاریخ بازمی‌گرداند. به نظر می‌رسد تنها راه کاهش این تنش‌های ریشه‌دار، یافتن راه‌حلی اساسی برای مسائل مرزی و دستیابی به یک دیدگاه مشترک درباره تأمین امنیت و پرهیز از برخوردهای ایدئولوژیک باشد.

امنیت مرزهای شرقی چه اهمیتی برای ایران دارد؟

مرزهای شرقی ایران حتی در زمان‌هایی که نزاع‌های نظامی در آن‌ها رخ نمی‌دهد، همواره به دلیل پیشینه تاریخی، قاچاق مواد مخدر، مسائل اقتصادی و چالش‌های فرهنگی، منطقه‌ای پراهمیت و گاه پرمخاطره بوده‌اند. بر این اساس قابل درک است که تهران نمی‌تواند هیچ نوع نا امنی‌پیش‌بینی‌نشده، به‌ویژه از جنس درگیری‌های نظامی را بپذیرد. چنین تنش‌هایی مسائل امنیتی منطقه را پیچیده‌تر کرده و پیامدهایی از جمله اختلال در اقتصاد و معیشت مردم را به همراه می‌آورند. به طور مثال، همین تنش محدود نظامی در ماه‌های گذشته باعث اختلال در حجم تعاملات تجاری دو میلیارد دلاری میان افغانستان و پاکستان شد. این مسأله نه تنها به اقتصاد افغانستان که پیشاپیش ضعیف بود آسیب جدی وارد کرد، بلکه موجب افزایش موج پناهجویان افغان به سوی مرزهای ایران نیز شد.

در افغانستان کنونی، حکومت مرکزی قدرتمندی که دارای معیارهای بین‌المللی باشد وجود ندارد. این وضعیت چالش‌های تعامل ایران با طالبان را دشوارتر کرده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد ایران در حال بررسی مسیرهای موجود برای برقراری ارتباط منطقه‌ی‌تر با این حاکمیت‌نوظهور است تا بتواند بحران‌ها و تهدیدهای احتمالی را مدیریت کند.

ناامنی در مرزهای شرقی برای تهران که اخیراً در جهت احیای خط باری ITI تلاش‌هایی کرده، غیرقابل‌قبول است ونشست‌های اخیر برای تقویت ارتباطات میان اروپا و آسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مسائل باز میان ایران و افغانستان مانند حقه‌ب‌ها و مهاجران نیز نیازمند حل منطقی و مبتنی بر امنیت هستند. تهران هرگونه ناامنی منطقه را نشاگر دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌داند و مخالف آن است. یکی از اهداف کلیدی نشست‌های منطقه‌ای در تهران، ایجاد همگرایی برای کاهش نقش این قدرت‌هاست.

نشست کشورهای همسایه افغانستان در تهران برای مدیریت شرایط منطقه برگزار شد. تهران امیدوار است اتفاقات این نشست، به تأمین امنیت و کاهش تنش افغانستان و پاکستان کمک کند. ریزا در شرایط فعلی، منطقه نیازی به نزاع جدید ندارد و ثبات خواسته اصلی کشورهای منطقه است. هرچند نباید انتظار حداکتری از چنین نشست‌هایی داشت، اما حداقل امید می‌رود که این گفت‌وگوها به درک مشترک کشورها از تحولات افغانستان، افزایش همگرایی منطقه‌ای، و شکل‌گیری رویکردی سازنده برای حل چالش‌ها بینجامد و زمینه‌ساز ادامه مذاکره‌ها باشد.

حضور، بازدارنده خواهد بود یا خود به عاملی برای تشدید ناخواسته تنش بدل می‌شود؟ و کشورهای کارائیب، که خاطره مداخلات تاریخی را در حافظه خود دارند، چه جایگاهی در این معادله خواهند داشت؟

پاسخ‌ها قطعی نیستند؛ اما به نظر می‌رسد که واشنگتن در حال حاضر به‌دنبال یک درگیری گسترده نیست یا دست‌کم اینگونه وانمود می‌کند. هرچند حضور گسترده نظامی در دریای کارائیب و در نزدیکی مرزهای ونزوئلا، لغافتی‌های پی‌ریبی مقام‌های آمریکایی و روشن شدن فیتبله تنش‌ها در منطقه‌ای با پیشینه درگیری‌های تاریخی، خطر برخوردهای محدود و محاسبه اشتباه را افزایش می‌دهد. در مقابل، دولت ونزوئلا با ارجاع به گذشته و برجسته‌سازی تهدید خارجی، تلاش می‌کند انجام داخلی و حمایت سیاسی منطقه‌ای را تقویت و در میان متحدان دیروز و امروز خود یارکنی کند و صدای خود را به مجامع بین‌المللی برساند.

کارائیب امروز، همان کارائیب دیروز است؛ پهنه‌ای که در آن تاریخ، افسانه و سیاست به‌طور همزمان جریان دارد. افسانه‌ها شاید علمی نباشند، اما یادآور این واقعیت‌اند که این آب‌ها همیشه محل رقابت بوده‌اند. در چنین جغرافیایی، تشدید تنش میان آمریکا و ونزوئلا نه یک اتفاق مقطعی، بلکه ادامه روایتی طولانی است؛ روایتی که هنوز به فصل پایانی خود نرسیده است.